

## تحلیل چند سطحی عوامل بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان در فضای سایبر

### چکیده

با پیشرفت‌های فناوری و ظهور موقعیت‌های جدید در عصر دیجیتال، بزه‌دیدگی کودکان اشکال پیچیده و نوینی به خود گرفته است. یکی از مصادیق نگران‌کننده این تحولات، بزه‌دیدگی جنسی سایبری است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی علل و عوامل مؤثر بر این نوع از بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان انجام شده است. مسئله محوری تحقیق، شناسایی عوامل مختلفی است که فرآیند بزه‌دیدگی این قشر را در این محیط پیچیده تسهیل یا تسریع می‌نماید. این پژوهش، از منظر روش، توصیفی-تحلیلی است و رویکرد غالب در این تحقیق، فراتحلیل داده‌های پیش‌موجود می‌باشد. گردآوری داده‌ها از طریق مرور نظام‌مند اسناد و با روش کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است. بدین منظور، از منابع اطلاعاتی متنوعی شامل منابع مکتوب و دیجیتال، مقالات علمی پژوهشی، پایان‌نامه‌های دانشگاهی، گزارش‌های داخلی و بین‌المللی، و نیز پایگاه‌های داده معتبر علمی بهره گرفته شده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بزه‌دیدگی جنسی سایبری کودکان حاصل تعامل پیچیده چند دسته عوامل کلیدی است: عوامل درونی مشتمل بر ویژگی‌های فردی مانند سن، جنسیت و سبک زندگی مجازی و عوامل روان‌شناختی نظیر کنجکاوی جنسی، هیجان‌طلبی و عوامل بیرونی شامل عوامل جامعه‌مدار از قبیل سطح اقتصادی-اجتماعی خانواده، خلاء فرهنگی در تربیت و آموزش سواد رسانه‌ای و جنسی و عوامل رشد‌محور نظیر نوع جامعه‌پذیری کودک توسط خانواده میباشد. این مطالعه با ارائه تحلیل جامعی از عوامل چندسطحی مؤثر بر این پدیده، زمینه را برای طراحی راهبردهای پیشگیرانه چندبعدی و تدوین سیاست‌های حمایتی مؤثر فراهم می‌نماید.

**واژگان کلیدی:** بزه‌دیدگی، کودکان و نوجوانان، سواستفاده جنسی، فضای سایبر، تحلیل چندمحوری

## مقدمه

امتداد پیشرفت‌های فناوریانه در سده‌ی حاضر، زمینه‌ساز تکوین فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی گردید. این سپهر مجازی، با دارا بودن اوصاف ممتاز و خصایص بی‌همتا، به تدریج به مؤلفه‌ای جوهری در زیست اجتماعی انسان‌های عصر حاضر مبدل شد. این فضا، که روابط بین‌الذهانی را دستخوش دگرگونی‌های بنیادین نموده، به ایجاد نوعی هویت دوگانه و حقوق چندلایه نیز انجامیده است؛ گویی که سوژه‌ی مدرن در پس این تحولات، صاحب وجودی ثانوی یا حیاتی مجازی گشته است. نفوذ فزاینده‌ی این فضای مجازی به تمامی وجوه حیات بشری، انقلابی خاموش اما ژرف را در ساحت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و معرفتی موجب شده است (خلیل‌پور چالکیاسری، ۱۳۹۹)، به گونه‌ای که می‌توان از بازتعریف مفاهیمی چون فضای عمومی و کنش ارتباطی در پرتو این تحولات سخن گفت. علیرغم کارکردهای مثبت شبکه‌های اجتماعی، ذات چندگانه این رسانه‌ها مستلزم واکاوی انتقادی آسیب‌های بالقوه‌ی آن‌هاست؛ غفلت از این امر می‌تواند زمینه‌ساز ناهنجاری‌های ساختاری در سطوح خرد و کلان جامعه شود. شتاب‌انگیزی تحولات دیجیتال، فضای مجازی را به میدانی برای هم‌افتادگی الگوهای بزهکاری سنتی و جرایم نوظهور تبدیل کرده است؛ در این راستا پژوهشگران حوزه جرم‌شناسی، جرائم ارتكابی در فضای سایبری را به دو گونه‌ی متمایز «مرتبط با محیط دیجیتال» و «جرایم سایبری محض» طبقه‌بندی کرده‌اند. از وجوه تمایز بنیادین جرائم سایبری نیز می‌توان به سیالیت ساختاری، انطباق پویا با سازوکارهای امنیتی، پنهان‌سازی هویتی نسبی فاعلان، و ماهیت فراسرزمینی این پدیده‌های بزهکارانه اشاره نموده‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۹، ص. ۱۳). کودکان و نوجوانان به عنوان جمعیت‌های آسیب‌پذیر رشدی در محیط دیجیتال معاصر، به دلیل محدودیت‌های شناختی در ارزیابی خطر و تماس زودهنگام با محتوای آسیب‌زا، در معرض آسیب‌پذیری اکتسابی مضاعف سه‌لایه‌ای (فیزیکی-عاطفی-هویتی) قرار گرفته‌اند که واکنش‌های ناهنجاری نظام‌های اجتماعی را در قالب چارچوب‌های حمایتی افزایش یافته طلب می‌کنند (محسنی، ۱۳۹۰). پژوهشگران، بزه‌دیدگی کودکان در فضای مجازی را عمدتاً در دو گونه‌ی سوءاستفاده‌های جنسی مبتنی بر شبکه و آسیب‌های روانی-عاطفی ناشی از تعاملات دیجیتال طبقه‌بندی نموده‌اند (کرامتی معز، ۱۳۹۹، ص. ۴۶). کودکان در محیط دیجیتال با طیف وسیعی از تهدیدات مواجه هستند که از طریق سازوکارهای پیچیده و چندبعدی به آنان آسیب می‌رساند این آسیب‌ها که عمدتاً ماهیتی روانی-اجتماعی دارند، می‌توانند تأثیرات ماندگاری بر رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی کودکان بر جای بگذارند. بزه‌دیدگی کودکان در شبکه‌های اجتماعی به وضعیتی اشاره دارد که در آن کاربران خردسال در حین فعالیت در فضای مجازی در معرض تعاملات مخاطره‌آمیز و بالقوه آسیب‌زا قرار می‌گیرند. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که این پدیده عمدتاً شامل مواجهه با درخواست‌های نامشروع جنسی، مکالمات با محتوای نامناسب، و اجبار به افشای اطلاعات شخصی می‌شود که در پلتفرم‌های مراداتی مانند اینستاگرام به‌طور ویژه قابل مشاهده است. ابعاد این پدیده گاه از محدوده تعاملات مجازی فراتر رفته و به حوزه فیزیکی تسری می‌یابد. مواردی مانند ارسال محتوای غیراخلاقی به صورت فیزیکی، برقراری تماس‌های تلفنی ناخواسته، یا درخواست ملاقات‌های حضوری، حتی در زمانی که کودک فعالانه از پلتفرم استفاده نمی‌کند، از مصادیق این گسترش هستند. از منظر آسیب‌شناسی، می‌توان پیامدهای این بزه‌دیدگی را در دو حوزه اصلی مورد بررسی قرار داد، نخست آسیب‌های جنسی که شامل انواع بهره‌کشی و سوءاستفاده می‌شود، و دوم آسیب‌های روانی-عاطفی که متأثر از فشارهای روانی و عواطف منفی ناشی از این تعاملات است.

در عصر حاضر، شاهد ظهور و گسترش پدیده‌ای نگران‌کننده در حوزه آسیب‌شناسی مجازی کودکان هستیم که در ادبیات پژوهشی معاصر تحت عنوان «بزه‌دیدگی جنسی سایبری» شناخته می‌شود. این شکل خاص از بزه‌دیدگی چندبعدی که

همزمان ابعاد جنسی و روانی-عاطفی را دربرمی‌گیرد، به‌عنوان یکی از چالش‌های نوظهور در حوزه حقوق کیفری کودکان و روانشناسی رشد کودک مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

پژوهش‌های متعددی در حوزه جرایم سایبری و بزه‌دیدگی کودکان در فضای مجازی انجام شده است.<sup>۱</sup> با این حال، مقاله حاضر که در چارچوب جرم‌شناسی علت‌شناختی، بزه‌دیده‌شناسی کودکان و بزه‌دیده‌شناسی سایبری تدوین گردیده، از تمایزات مفهومی قابل توجهی برخوردار است. این پژوهش در مقایسه با سایر مطالعات موجود در این حوزه، رویکردی عمیق‌تر و تحلیل‌گرانه‌تر اتخاذ نموده است. درحالی که تحقیقات پیشین عمدتاً به توصیف پدیده یا بررسی کلی جرایم سایبری علیه کودکان پرداخته‌اند، مطالعه حاضر با تمرکز ویژه بر مکانیسم‌های علی و زمینه‌ساز بزه‌دیدگی جنسی سایبری، به واکاوی نظام‌مند عوامل فردی، روانشناختی و اجتماعی مؤثر در این فرآیند می‌پردازد.

لذا سوال اصلی پژوهش پیش رو اینگونه قابل طرح است:

- چه عواملی باعث بروز یا تسهیل روند بزه‌دیدگی جنسی سایبری کودکان و نوجوانان میشوند؟

### ۱. علل فردی-روانشناختی

علل فردی روانشناختی بزه‌دیدگی بر آن دسته از عوامل متمرکز است که در سطح فردی، زمینه‌ساز افزایش آسیب‌پذیری و تقویت موقعیت بزه‌دیده بالقوه می‌گردد. این چارچوب تحلیلی، سه رکن اصلی را مورد بررسی قرار می‌دهد. نخست، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از قبیل سن و جنسیت است که به‌عنوان متغیرهای پایه، الگوهای متفاوتی از خطرپذیری را ایجاد می‌کنند. دوم، ویژگی‌های روانشناختی قرار دارد که طیفی از عوامل از جمله سطح کنجکاو، میزان تحریک‌پذیری و هیجان‌طلبی را در بر می‌گیرد. در نهایت، الگوهای رفتاری خاص ناشی از این ویژگی‌ها، چارچوب عینی تعامل فرد با محیط را شکل داده و در عمل، بستر مناسب برای وقوع بزه را فراهم می‌سازد. این عوامل در یک پیوند همگام، فرد را به سوژه‌ای جذاب برای بزهکار تبدیل نموده و احتمال بزه‌دیدگی را به نحو چشمگیری افزایش می‌دهند.

#### ۱-۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

سن و جنسیت به عنوان متغیرهای کلیدی، الگوهای متفاوتی از بزه‌دیدگی را ایجاد می‌کنند. گروه‌های سنی خاص مانند کودکان، نوجوانان (و یا سالمندان) و همچنین جنسیت افراد، با سطوح متفاوتی از آسیب‌پذیری و انواع خاصی از بزه‌ها مرتبط هستند. این ویژگی‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در مطالعات بزه‌دیدگی دارند.

#### ۱-۱-۱. سن

---

<sup>۱</sup> -اعظمی، محمدسعید و طارمیان، فرهاد (۱۳۹۹) در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی شیوع آزار سایبری و متغیرهای دموگرافیک آزارگران آزاردیدگان و آزارگر-آزاردیده‌های سایبری» دریافتند افرادی که از باورهای خانوادگی سست برخوردار بوده و در معرض انفکاک خانوادگی قرار دارند، نسبت به سایرین با احتمال بیشتری درگیر پدیده‌ی آزارگری و آزاردیدگی سایبری می‌شوند.

-ایقانی، مصطفی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ی «علت‌شناسی و ارائه‌ی راهکارهای پیشگیری غیرکیفری از بزه‌دیدگی اطفال در فضای مجازی»، علل عام بزه‌دیدگی در فضای مجازی را واکاوی نموده و سپس راهکارهای پیشگیری اجتماعی و وضعی را ارائه نمودند. این پژوهش، کم‌اطلاعی والدین، ناکارآمدی سیاست‌های ساماندهی اوقات فراغت و فقدان سیاست‌های کلان را از جمله عوامل مؤثر در بزه‌دیدگی برمی‌شمارد.

-موسوی، سیدجمال و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «فرآیند بزه‌دیدگی اطفال در فضای سایبری با تأکید بر عوامل اقتصادی»، با بهره‌گیری از چارچوب‌های جرم‌شناختی کلاسیک نظیر انتخاب عقلانی و فعالیت روزمره، به تبیین علل بزه‌دیدگی کودکان پرداختند.

-صفاری، علی و ایمانی، مهرنوش (۱۳۹۹) در مقاله‌ی «تأثیر بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان بر بزهکاری و پیشگیری از آن»، از طریق مصاحبه با ۲۷ کودک مقیم کانون اصلاح و تربیت تهران، روند تولید بزهکاری ناشی از بزه‌دیدگی را به‌صورت عام مورد بررسی قرار دادند.

کودکان و نوجوانان، کنشگران غالب فضای سایبری اند که به لطف برتری دانش فناورانه و تحولات ساختار خانواده، پیشگامان این زیست‌بوم دیجیتال محسوب می‌شوند (بوذری، ۱۳۹۵، ص. ۵۸). با این حال، تمایزات ماهوی ناشی از مراحل رشدی (شامل ضعف جسمانی، محدودیت‌های شناختی، ناپختگی شخصیتی و کمبود تجربه)، آسیب‌پذیری ذاتی آنان را در برابر بزه‌های سایبری تشدید می‌کند. متغیر سنی به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده، بر اساس اصل هم‌تناظری آسیب‌پذیری و ظرفیت‌های حفاظتی، رابطه‌ای علی با افزایش بزه‌دیدگی ایجاد می‌نماید؛ به طوری که طبق اصل خطی آسیب‌پذیری، کاهش توانمندی‌های زیستی روانی مستقیماً با افزایش احتمال بزه‌دیدگی سایبری هم‌بسته است.

مبنای تحلیل بزه‌دیدگی کودکان در فضای سایبری بر شناسایی وضعیت ویژه رشدی وابسته به سن استوار است که پنج مؤلفه بنیادین آن عبارتند از: وابستگی ساختاری به والدین به‌مثابه پایه امنیت زیستی-اجتماعی، نیازمندی ذاتی به دریافت مهرورزی و ثبات هیجانی، آسیب‌پذیری فزاینده ناشی از محدودیت‌های تکاملی، کاستی‌های ادراکی در بازنمایی واقعیت‌های محیطی، و کم‌ظرفیتی شناختی نسبت به خطر و پیامدهای ناخواسته زیست‌بوم دیجیتال؛ این شاخص‌های درهم‌تنیده، زیرساخت تبیین‌کننده الگوهای بزه‌دیدگی سایبری را تشکیل می‌دهند (عمرانی، ۱۳۹۴). خوش‌بینی ادراکی و کاستی شناختی نسبت به مخاطرات سایبری، به‌عنوان متغیرهای فرعی وابسته به سن، ناشی از رشد شناختی ناکامل و کم‌تجربگی در کودکی اند. این نقصان شناختی، توانایی تشخیص رفتارهای پرخطر را تضعیف نموده و پیش‌شرط اصلی بزه‌دیدگی محسوب می‌گردد. مهاجمان با مکانیزم فریب مبتنی بر جلب اعتماد (استفاده نظام‌مند از علائق شخصی و تحریک کنجکاوی) از این ضعف شناختی سوءاستفاده می‌کنند. هم‌زمان، ناپختگی شناختی و ناآگاهی از تهدیدات، منجر به همکاری غیرانتقادی کودک در تعاملات سایبری می‌شود که در چرخه‌های فزاینده، آسیب‌پذیری را تشدید می‌نماید.

بر پایه داده‌های مطالعات میدانی در ایالات متحده (۲۰۲۴)، ۷۳ درصد دختران و زنان ۱۳ تا ۲۱ ساله، بزه‌دیده آزار و اذیت جنسی سایبری بوده‌اند که نقطه آغاز این روند در اغلب موارد، تولید و اشتراک‌گذاری غیرارادی محتوای جنسی تحت فشار روانی گزارش شده است.<sup>۱</sup> تحلیل یافته‌های پژوهشی در ایالات متحده (۲۰۲۲) نشان‌دهنده تباین تجربیات بزه‌دیدگی جنسی سایبری بر اساس متغیر سنی است: تقریباً ۵۰ درصد نوجوانان ۱۵ تا ۱۷ ساله، دست‌کم یک مورد از شش مصداق فریب‌کاری و بهره‌کشی جنسی آنلاین را گزارش نموده‌اند. این شاخص در گروه سنی ۱۳ تا ۱۴ سال به ۴۳ درصد می‌رسد که طی بازه‌ی یکساله، در معرض درخواست‌ها و آزارهای جنسی قرار گرفته‌اند. در هر دو گروه، الگوی آغازین غالب، تولید و ارسال غیرارادی محتوای مستهجن تحت فشار روانی بوده است.<sup>۲</sup> در پژوهشی مستقل (۲۰۲۳) با جامعه‌آماری ۱۰,۰۰۰ نفر از گروه سنی ۱۲ تا ۲۰ سال، توزیع پلتفرم‌محور بزه‌دیدگی سایبری بدین ترتیب تشریح می‌گردد: ۴۲ درصد در اینستاگرام<sup>۳</sup>، ۳۷ درصد در فیسبوک<sup>۴</sup>، ۳۱ درصد در اسنپ‌چت<sup>۵</sup>، و ۱۲ درصد در واتس‌آپ<sup>۶</sup>، کمتر از ۱۰ درصد موارد در سایر برنامه‌ها رخ داده است. این داده‌ها مؤید آن است که فزون‌بر ۹۰ درصد موارد بزه‌دیدگی و آزار آنلاین کودکان، در پلتفرم‌های مبتنی بر تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد.<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> <https://explodingtopics.com/blog/cyberbullying-stats>

<sup>۲</sup> <https://www.pewresearch.org>

<sup>۳</sup> Instagram

<sup>۴</sup> Facebook

<sup>۵</sup> Snap chat

<sup>۶</sup> WhatsApp

<sup>۷</sup> <https://cyberbullying.org/category/statistics>

بر پایه پژوهش میدانی ونتژو<sup>۱</sup> بر روی ۲۰۰ کودک و نوجوان، توزیع سنی بزه‌دیدگان جنسی سایبری بدین‌گونه است: ۴۲ درصد در گروه ۱۰ تا ۱۲ سال، ۴۰ درصد در بازه ۱۲ تا ۱۷ سال، و ۱۰ درصد در محدوده ۱۷ تا ۱۹ سال (Ventéjoux, 2019:86). تحلیل این مطالعه نشان‌دهنده چهار الگوی رفتاری: گفت‌وگو پیرامون موضوعات جنسی، تولید و ارسال غیرارادی محتوای مستهجن، درخواست ارتباط تصویری، و تقاضای تصاویر اندام‌های جنسی در غالب مهاجمان است. همچنین وی تأیید میکند که کودکان در اکثر موارد، مکالمات جنسی را عادی‌پنداشته و از نیات بزهکاران ناآگاه بوده‌اند. مطالعات موازی حاکی از آن است که ۹۹ درصد بزه‌دیدگان جرائم جنسی سایبری در گروه سنی ۱۳ تا ۱۷ سال قرار دارند که ۶۸ درصد آنان ۱۳ تا ۱۴ ساله‌اند. همچنین بیش از ۸۰ درصد این رخدادها از طریق تلفن همراه شخصی رخ می‌دهد. داده‌های دولت بریتانیا (۲۰۲۲-۲۰۲۳) مؤید تمرکز ۸۰ درصدی بزه‌دیدگی جنسی سایبری بر گروه ۱۳ تا ۱۵ سال است (Karsna & Bromley, 2023:8). در پژوهشی میدانی دیگر، ۸۵ درصد بزه‌دیدگی‌ها در بازه ۹ تا ۱۵ سال گزارش شده (۴۵ درصد ۹-۱۲ ساله، ۴۰ درصد ۱۲-۱۵ ساله) و تنها ۱۵ درصد مربوط به گروه ۱۶ تا ۱۸ سال بوده است (منشوری، ۱۳۹۸). همخوان با این یافته‌ها، گزارش رئیس بهزیستی تهران بزرگ (۱۳۹۶) نشان می‌دهد ۱۶۴ دختر فراری پذیرش‌شده با میانگین سنی ۱۱ تا ۱۶ سال، عمدتاً بزه‌دیده فریب‌کاری مجازی بوده‌اند که این امر گویای نقش محوری فضای سایبری در پدیده فرار نوجوانان است.<sup>۲</sup>

جمع‌بندی یافته‌ها الگوی هشداردهنده‌ای را نشان می‌دهد: کانون پحرانی آسیب‌پذیری در گروه سنی ۱۳-۱۵ سال متمرکز است که در داده‌های بین‌المللی به طور هماهنگ تأیید می‌شود. این الگو نشان می‌دهد که بلوغ شناختی ناقص نوجوانان در این بازه سنی، همراه با کنجکاوی جنسی در حال شکل‌گیری، آنها را در برابر تهدیدات سایبری به شدت آسیب‌پذیر می‌کند. تکرار الگوی تولید محتوای جنسی تحت فشار در پژوهش‌های مختلف، عینیت بخش نظریه کم‌ظرفیتی شناختی است. همچنین، غالب بودن پلتفرم‌های اجتماعی به عنوان بستر وقوع جرم و پیوند دیده‌شده بین بزه‌دیدگی سایبری و پیامدهای عینی مانند فرار از خانه، اثربخشی تهدیدات مجازی را در زندگی واقعی نشان می‌دهد. این تحلیل یکپارچه، ضرورت طراحی راهبردهای حفاظتی چندلایه و هدفمند را فریاد می‌زند.

#### ۱-۱-۲. جنسیت

زنان و دختران به دلیل عوامل جنسیتی، آسیب‌پذیری بیشتری در برابر جرایم سایبری، به‌ویژه جرایم جنسی، دارند. این مسئله ناشی از ساختارهای اجتماعی، سبک زندگی متفاوت و ویژگی‌های روان‌شناختی است که آنان را به اهدافی جذابتر برای مجرم تبدیل می‌کند. جامعه‌پذیری جنسیتی و ترس از جرم نیز این آسیب‌پذیری را تشدید می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد زنان و دختران به‌طور نامتناسبی بیش از مردان بزه‌دیده جرایم سایبری می‌شوند (محمدکوره پز، ۱۳۹۳). به‌عنوان مثال، در مطالعه‌ای ۷۱ درصد از موارد مزاحمت‌های سایبری مربوط به زنان بود (حاجی ده آبادی و سلیمی، ۱۳۹۳). همچنین، از هر ۵ بزه‌دیده ۴ نفر زن و دختر هستند و احتمال آزار جنسی آنلاین برای زنان ۸ برابر مردان است (یوسفی، ۱۳۹۶). تحقیقات روانشناسی اجتماعی و جرم‌شناسی سایبری نشان می‌دهد که تفاوت‌های جنسیتی در استفاده از فضای مجازی، دختران را در معرض بزه‌دیدگی بیشتری قرار می‌دهد. به دلایل جامعه‌پذیری جنسیتی، دختران تمایل بیشتری به استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای ارتباطات و تعاملات اجتماعی دارند (Navarro, 2016:31). این در حالی است که رفتارهای پرخطر سایبری مانند اشتراک‌گذاری بیش از حد اطلاعات شخصی، تنظیمات نادرست حریم خصوصی و بی‌توجهی به

<sup>1</sup> Ventéjoux, Aude

<sup>2</sup> <https://fararu.com>

اصول امنیتی پایه، آنها را به طعمه‌های آسان برای مجرمان سایبری تبدیل می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد دختران محتوای شخصی بیشتری منتشر می‌کنند، اما از ابزارهای محافظتی کمتری استفاده می‌نمایند که این امر منجر به آسیب‌پذیری مضاعف آنها می‌شود (ابوذری، ۱۳۹۵، ص. ۵۵). بر اساس داده‌های «مرکز پیو»<sup>۱</sup>، ۴۰ درصد دختران نوجوان تجربه اغوای جنسی آنلاین داشته‌اند، در حالی که این رقم برای پسران ۲۸ درصد است.<sup>۲</sup> مطالعات دیگر حاکی از آن است که احتمال مواجهه دختران با سوءاستفاده جنسی سایبری سه تا پنج برابر بیشتر از پسران است (Sherman & Sigfúsdóttir, 2009: 15151). در برخی پژوهش‌ها، نرخ بزه‌دیدگی جنسی دختران تا ۶۵ درصد گزارش شده، در حالی که این میزان برای پسران حدود ۲۳ درصد است (Stoltenborgh et al, 2011: 79). این اعداد به روشنی نشان می‌دهند که چگونه عوامل اجتماعی و روانشناختی، زنان و دختران را در محیط دیجیتال آسیب‌پذیرتر می‌سازد. دختران به دلایل روانی-اجتماعی مانند نیاز به تأیید جمعی و فشارهای فرهنگی درباره ظاهر و محبوبیت، در فضای مجازی آسیب‌پذیرترند. رفتارهای آنلاین آنها شامل مشارکت فعال در شبکه‌های اجتماعی و اشتراک محتوای شخصی، اگرچه نشان‌دهنده مهارت‌های ارتباطی است، اما آنها را در معرض تهدیداتی مانند آزار جنسی و انتشار محتوای غیراخلاقی قرار می‌دهد. این سوءاستفاده‌ها اغلب منجر به اضطراب، افسردگی و کاهش اعتماد به نفس می‌شود که چرخه بزه‌دیدگی را تشدید می‌کند. این یافته‌ها لزوم توجه ویژه به این آسیب‌پذیری خاص را نشان می‌دهد.

داده‌ها به وضوح الگوی آسیب‌پذیری مضاعف زنان در فضای سایبری را تأیید می‌کنند. این مسئله ریشه در ساختارهای اجتماعی جنسیتی و الگوهای رفتاری آموخته‌شده دارد که زنان را به اهدافی آسان برای مجرمان تبدیل می‌کند. از یک سو، جامعه‌پذیری جنسیتی موجب می‌شود زنان برای برقراری ارتباط و تأیید اجتماعی بیشتر به فضای مجازی روی آورند، و از سوی دیگر، رفتارهای پرخطر نظیر انتشار محتوای شخصی و تنظیمات نادرست حریم خصوصی، خطر بزه‌دیدگی را تشدید می‌کند. آمارها نشان می‌دهد زنان به‌ویژه در معرض آزارهای جنسی آنلاین هستند، به طوری که احتمال قربانی شدن آنان تا ۸ برابر مردان است. این آسیب‌پذیری تنها به عوامل بیرونی مرتبط نیست، بلکه پیامدهای روانی نظیر اضطراب و افسردگی، چرخه بزه‌دیدگی را تقویت می‌کند. این یافته‌ها ضرورت مداخلات جنسیت‌محور را آشکار می‌سازد، از آموزش مهارت‌های دیجیتالی تا طراحی سیاست‌های حفاظتی که متناسب با نیازها و خطر خاص دختران باشد.

## ۱-۲. ویژگی‌های روانشناختی

وجود شاخصه‌هایی نظیر تحریک‌پذیری شناختی، جست‌وجوی مشروعیت‌سازی اجتماعی، ضعف در عزت‌نفس، و گرایش به استقلال‌طلبی زود هنگام، به‌مثابه پیش‌زمینه‌های علی، سبب تمرکز پژوهشگران حوزه بزه‌دیدگی یا بزهکاری بر این دوره تحولی (کودکی و نوجوانی) شده است. درک علل غلبه کودکان و نوجوانان بر آمار بزه دیدگان فضای سایبر و همچنین تحلیل مکانیسم‌های اثرگذاری مخرب محتوای دیجیتال بر این گروه، مستلزم واکاوی نظام‌مند این تابع‌های روان‌شناختی در پیوند با یافته‌های سایر شاخه‌های علوم انسانی است.

## ۱-۲-۱. کنجکاوی و ماجراجویی

حس کنجکاوی و ماجراجویی به‌عنوان ویژگی‌های تحولی، از اوایل کودکی آغاز و در نوجوانی به اوج می‌رسد. در دوران کودکی، این حس ماهیتی محدود و معطوف به اشیاء و نیازهای اولیه انسانی دارد، لیکن هم‌زمان با ورود به نوجوانی، ابعاد گسترده‌تری یافته و افراد را مستعد مواجهه با موقعیت‌ها یا رفتارهای پرخطر می‌سازد. پژوهش‌ها به‌طور تجربی ثابت کرده‌اند

<sup>1</sup> Pew Research Center

<sup>2</sup> <https://www.pewresearch.org>

که کنجکاوی نسبت به ناشناخته‌های جنسی، مؤلفه‌ی محوری بزه‌دیدگی جنسی در این دوره‌های تحولی است. ماجراجویی نیز به‌مثابه یک سازه‌ی شخصیتی یا کنش هدفمند، نقش بنیادین در رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی کودکان ایفا می‌کند که مستقیماً بر تقویت مهارت‌های حل مسئله، افزایش تاب‌آوری، رشد اعتمادبه‌نفس و پرورش خلاقیت تأثیر می‌گذارد. با این حال، ماجراجویی کنترل‌نشده و فاقد نظارت، کودکان را در معرض مخاطرات جسمانی و روانی — به‌ویژه در زیست‌بوم دیجیتال — قرار می‌دهد. کودکان ماجراجو ممکن است ملاحظات امنیتی را نادیده گرفته و به اشتراک‌گذاری اطلاعات شخصی یا کلیک بر پیوندهای مخرب مبادرت ورزند؛ همچنین تمایل ذاتی به کشف محیط‌های نوین، احتمال گرفتاری در تهدیدات آنلاین شامل تعامل با غریبه‌ها، مواجهه با محتوای نامناسب و سوءاستفاده جنسی سایبری را افزایش می‌دهد. سوءاستفاده‌گران سایبری نیز با بهره‌برداری نظام‌مند از این حس ماجراجویی و کنجکاوی، نوجوانان را در دام آسیب‌پذیری‌های برنامه‌ریزی‌شده گرفتار می‌سازند.

در یک مطالعه کیفی انجام شده همسو با موضوع حاضر یکی از مصاحبه‌کنندگان که مورد آزار جنسی و سوءاستفاده آنلاین قرار گرفته بود بیان می‌دارد: «دوست داشتم حق انتخاب‌های زیادی داشته باشم به همین دلیل می‌خواستم سر در بیارم و ببینم زمانی که آدم با یه نفر دوست می‌شه چه اتفاقی می‌افته من که قرار نبود باهاش بیرون برم فقط گاهی صحبت می‌کردیم»؛ مصاحبه‌کننده دیگر نیز بیان می‌دارد: «واقعاً می‌خواستم ببینم حرف‌هایی که راجع به خودش گفته درسته یا نه؟ می‌خواستم ببینم راست می‌گه که وضع مالی آنچنانی داره؟ به همین دلیل قبول کردم و سر قرار رفتم» (افضلی گروه، ۱۳۹۹). در تحلیل مصاحبه‌های انجام گرفته در پژوهشی دیگر مشاهده می‌شود بزه‌دیدگان به دلیل کنجکاوی و فعالیت زیاد در شبکه‌های اجتماعی مجازی مورد آزار جنسی سایبری قرار گرفته‌اند. در این راستا یکی از مصاحبه‌کنندگان بیان می‌دارد: «از روی کنجکاوی، در شبکه‌های اجتماعی با ازارگر دوست شدم». مصاحبه‌شونده دیگری نیز بیان می‌دارد: «به دلیل کنجکاوی، پیام تلگرام مبنی بر وارد کردن رمز را استفاده کردم» (شورجیان، ۱۴۰۰). از سیاق مصاحبه‌های اشاره شده می‌توان نتیجه گرفت که ماجراجویی و کنجکاوی نقش کلیدی در بزه‌های جنسی سایبری دارد. وجود عباراتی مانند: «می‌خواستم ببینم راست گفته یا نه؟»، «می‌خواستم ببینم چه اتفاقی می‌افته» و «دوست داشتم تجربه کنم» همگی دلالت به میل به ماجراجویی و حس کنجکاوی که در سنین کودکی و نوجوانی به اوج خود می‌رسد دارد.

### ۱-۲-۲. تحریک‌پذیری و هیجان‌طلبی

تحریک‌پذیری عاطفی به‌عنوان ویژگی روان‌شناختی کلیدی در نوجوانی، با ایجاد رفتارهای تکانشی و تصمیم‌گیری‌های مخاطره‌آمیز، آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات سایبری را تشدید می‌کند. این وضعیت که در آوان نوجوانی اوج می‌گیرد، منجر به افق دید کوتاه‌مدت، ناتوانی در تأخیر ارضای تمایلات، هیجان‌طلبی بیمارگونه، ریسک‌پذیری آسیب‌زا و خودتنظیمی ناکارآمد می‌شود. مجموعه این عوامل باعث می‌گردد نوجوانان پیامدهای کنش‌های خود را کمتر ارزیابی کرده و به‌طور معناداری در معرض موقعیت‌های پرخطر سایبری قرار گیرند که در نهایت سهم بسزایی در افزایش نرخ بزه‌دیدگی این گروه سنی دارد (حسینعلی‌خانی، ۱۴۰۱).

مطالعات طولی مؤید آن‌اند که نوجوانان دارای تحریک‌پذیری عاطفی با شاخصه‌های بارز آن یعنی برانگیختگی سریع هیجان‌ات شدید، خشم، اضطراب و نوسانات خلقی در فضای مجازی به‌طور نظام‌مند در معرض سوءاستفاده، بهره‌کشی و آسیب‌های روان‌شناختی قرار می‌گیرند. این آسیب‌پذیری مضاعف از دو مسیر علی قابل تبیین است: نخست، ویژگی‌های درون‌فردی شامل نقصان در مهارت‌های تنظیم هیجانی و بازداری رفتاری؛ دوم، فنون فریبکارانه اغوای سایبری که با بهره‌گیری از این آمادگی‌های روان‌شناختی، بستر بهره‌کشی را مهیا می‌سازند.

کودکان و نوجوانان با تحریک‌پذیری بالا در فضای سایبری به دلیل سه ویژگی کلیدی در معرض مخاطرات جدی قرار می‌گیرند: نخست، واکنش‌های سریع هیجانی به محرک‌های منفی، آن‌ها را مستعد فریب آنلاین می‌کند؛ سوءاستفاده‌گران از طریق تهدیدهای کاذب (مانند افشای اطلاعات) یا پیشنهادهای فریبنده (مثل هدایای رایگان) این آسیب‌پذیری را هدف می‌گیرند. دوم، نیاز شدید به تأیید اجتماعی - که اغلب ریشه در طردشدگی واقعی دارد - موجب جست‌وجوی جایگزین‌های آنلاین می‌شود و سوءاستفاده‌گران با ایجاد روابط ظاهری حمایت‌گرانه و استفاده از پاداش‌های اجتماعی (لایک/کامنت) این فرآیند را تسهیل می‌کنند. سوم، ضعف در کنترل هیجانی و تمایل به تصمیم‌گیری‌های آنی، منجر به افشای اطلاعات شخصی، پذیرش درخواست‌های نامعقول یا مشارکت در فعالیت‌های پرخطر می‌شود. این سه‌گانه در محیط‌های تعاملی مانند شبکه‌های اجتماعی تشدید شده و پیامدهایی چون بزه‌دیدگی در جرایم سایبری، سوءاستفاده روانی و بهره‌کشی جنسی را به دنبال دارد. هیجان‌خواهی یک ویژگی شخصیتی است که تمایل به تجربه احساسات جدید، متفاوت و پیچیده و همچنین گرایش به خطرپذیری جسمی و اجتماعی برای دستیابی به این تجربیات تعریف می‌شود (ریو، ۲۰۰۳، ص. ۲۳۱). به عقیده زاگرن،<sup>۱</sup> هیجان‌خواهی یک صفت روان‌شناختی است که شامل تنوع‌طلبی، نیاز به هیجان‌ات قوی و موقعیت‌های غیرمعمول می‌شود. چنین افرادی به دنبال موقعیت‌های مهیج، چالش‌برانگیز و حتی مخاطره‌آمیز هستند تا از طریق آنها تجربیات تازه و شدید را کسب کنند (عمرانی سامیان، ۱۳۹۹).

از منظر شخصیت‌شناسی، افراد هیجان‌طلب عموماً در طیف برون‌گرایی جای می‌گیرند و محیط اجتماعی را منبعی برای تحریک و هیجان می‌دانند. ویژگی‌های بارز آن‌ها شامل بیان بی‌پرده هیجان‌ات، جسارت در تعاملات اجتماعی، تمایل به حفظ استقلال فکری و عملی، عدم پایبندی کورکورانه به هنجارهای مرسوم، و اولویت‌دهی به خواسته‌های شخصی نسبت به انتظارات جامعه است. این گروه معمولاً کمتر مقید به سنت‌ها یا آداب رایج بوده و رفتارهایشان را بر اساس تمایلات فردی تنظیم می‌کنند. افراد هیجان‌طلب معمولاً در تصمیم‌گیری‌ها لحظه‌آخری عمل کرده و تنها به تعهدات کوتاه‌مدت پایبندند. آن‌ها به راحتی تعهدات خود را به نفع موقعیت‌های جذاب جدید نادیده می‌گیرند، بدون آن‌که پیامدهای بلندمدت را ارزیابی کنند یا احساس گناه داشته باشند. این گروه گرایش به بیان آزادانه افکار و احساسات دارند، اما از مسئولیت‌ها و روابط طولانی‌مدت اجتناب می‌ورزند (فرانکن، ۲۰۰۳، ص. ۲۵۱). تحلیل پژوهش‌ها نشان می‌دهند این افراد به دنبال محیط‌هایی هستند که امکان خلاقیت، تجربه محرک‌های شدید و ارتباط با همسالان ناهمنوا را فراهم کند تا جایگاهی متناسب با تمایلات خود بیابند. این ویژگی‌ها، هیجان‌طلبی را به عاملی کلیدی در بزه‌دیدگی جنسی سایبری تبدیل می‌کند؛ چرا که موجب کاهش بازداری‌های شناختی، تضعیف ارزیابی خطر و افزایش تمایل به پذیرش پیشنهادهای غیرمتعارف می‌شود. در ترکیب با گمنامی و دسترس‌پذیری فضای سایبر، این آمادگی روان‌شناختی بستر ایده‌آلی برای سوءاستفاده‌گران فراهم می‌آورد.

### ۳-۱. الگوهای رفتاری

الگوهای رفتاری قابل پیش‌بینی و تکرارشونده، از طریق افزایش مواجهه با موقعیت‌های پرخطر و کاهش هزینه ارتکاب جرم برای بزه‌کار، فرایند بزه‌دیدگی را تسهیل می‌نمایند. این الگوها در چارچوب نظریه فعالیت روزمره و سبک زندگی، فرد را به هدفی جذاب برای بزه‌کاران تبدیل می‌کند.

<sup>1</sup> Zuckerman

### ۱-۳-۱. سبک زندگی و نوع فعالیت های روزمره

تحقیقات نشان می‌دهد گاهی اوقات بزه‌دیدگی نتیجه مستقیم سبک زندگی و رفتارهای پرخطر افراد است. هرچه تعامل با محیط‌های ناامن و افراد بزه‌کار بیشتر باشد، احتمال بزه‌دیدگی نیز به شدت افزایش می‌یابد. انتخاب‌های روزمره مانند نوع روابط اجتماعی و شیوه استفاده از فضاها، مجازی، تعیین‌کننده سطح آسیب‌پذیری افراد هستند. این یافته‌ها نشان می‌دهد پیشگیری از بزه‌دیدگی نیازمند تغییر رفتارها و افزایش آگاهی نسبت به خطرات است (جلالی‌فراهانی، ۱۳۹۳، ص. ۷۴). از آنجایی که سبک زندگی قابلیت تعمیم بالایی به مباحث جرم‌شناسی فضای سایبر دارد، برخی از نویسندگان از آن به عنوان «سبک زندگی برخط»<sup>۱</sup> یاد کرده‌اند (فرهادی‌آلاشتی، ۱۳۹۵، ص. ۳۹). پژوهش‌ها مؤید آنند که کنش‌های هنجارشکنانه سایبری شامل: بازنمایی هویت غیراستاندارد (نمایه‌سازی تصاویر نامتعارف)، هم‌قایی با خرده‌فرهنگ‌های انحرافی، و عدول از پروتکل‌های امنیتی با نرخ بزه‌دیدگی همبستگی معنادار دارند (کرامتی معز، ۱۳۹۹، ص. ۸۷).

در تبیین بزه‌دیدگی‌های جنسی سایبری کودکان و نوجوانان، مکانیزم‌های تعاملی آسیب‌زا مانند پذیرش درخواست‌های ارتباطی ناشناسان، پاسخ‌دهندگی غیرفعال به آزارسنجی‌های دیجیتال، تولید محتوای تحریک‌کننده، و مشارکت در شبکه‌های هنجارگریز را شامل می‌شود. پذیرش ارتباطات بین‌نسلی فاقد نظارت توسط کودکان و نوجوانان - به‌ویژه در مواجهه با عدم تقارن سنی - به مثابه مؤید تعاملی مخاطره‌آمیز، زمینه‌ساز بزه‌دیدگی ساختاریافته می‌گردد. تحلیل نتایج یک تحقیق بر روی نوجوانانی که مکرراً مورد بزه‌دیدگی جنسی در فضای سایبر قرار می‌گرفتند بیان می‌دارد: حدوداً ۷۰ درصد از کاربران بزه‌دیده از عکس شخصی خود به عنوان عکس نمایه (پروفایل) در شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کردند ۲۰ درصد از آنان نیز عکس‌هایی که برای بزه‌کاران دارای جذابیت بوده را استفاده می‌کردند. همچنین پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که بین عضویت در گروه‌های پرخطر و بزه‌دیدگی جنسی ارتباط مستقیم وجود دارد بدین ترتیب که حدود ۹۰ درصد، در شبکه‌های اجتماعی تعامل محور غیر اخلاقی عضویت داشته‌اند (حاجی‌ده‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۸). تحقیقات در چارچوب نظریه سبک زندگی نشان می‌دهد گزینش‌های آگاهانه/غیرآگاهانه افراد در تعیین سطح آسیب‌پذیری جنسی سایبری نقشی محوری ایفا می‌کند. شواهد تجربی حاکی است تصمیم‌سازی‌های مخاطره‌آمیز نظیر افشای تصاویر، متون، ترجیحات شخصی و داده‌های حساس در فضای مجازی، مستقیماً موقعیت‌سازی بزه‌دیدگی جنسی را تسهیل می‌نماید.

در پژوهشی همسو با موضوع حاضر یکی از مصاحبه‌کنندگان بیان می‌دارد: «می‌خواستم عکس‌شو بینم کم کم عکس‌ها بیشتر و راحت‌تر شد چون همیشه تا نیمه‌های شب با هم مشغول صحبت بودیم». یکی دیگر از مصاحبه‌کنندگان بیان می‌دارد: «کافیست فقط توی یک گروه سکسی عضو بشی بعدش هر چند دقیقه یکبار یک لینک جدید میاد» (عظیمی و دیگران، ۱۴۰۲) به عنوان نمونه در یک تحقیق همسو یکی از مصاحبه‌شوندگان که مورد آزار و اذیت آنلاین قرار گرفته بود اظهار می‌دارد: «احتمال نمی‌دادم کسی از عکس‌های من سوء استفاده کند به نظرم گذاشتن عکس در پروفایل یک مسئله عادی است» یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌دارد: «همه توی اینستاگرام عکس می‌گذارند منم گذاشتم تمام اعضای خانواده و دوستان من در جای دیگر هستند و از این طریق با هم ارتباط داشتیم به خاطر همین عکس‌ها و فیلم‌های خصوصی از خودم را به اشتراک می‌گذاشتم». در تحقیق دیگری همسو با موضوع حاضر یکی از مصاحبه‌کنندگان بیان می‌دارد: «مدت زیادی بود که با او در ارتباط بودم دائماً از عکس‌ها و مطالبی که منتشر می‌کردم تعریف می‌کرد. دوست بسیار خوبی بود همیشه برایم عکس می‌فرستاد و خودش را النا معرفی می‌کرد من هم برایش از خودم عکس می‌فرستادم

<sup>۱</sup> Online life style

بعد از مدتی که درخواست ملاقات حضوری داشت قبول کردم وقتی به محل قرار رفتم متوجه شدم فردی که خود را النا معرفی کرده بود یک مرد ۵۰ ساله است». (افضلی گروه، ۱۳۹۹) در تحقیق دیگری نیز یکی از بزه‌دیدگان بیان میدارد: «تقصیر خودم بود تمام درخواست های دوستی (دنبال کردن) در اینستاگرام را میپذیرفتم» (شورجیان، ۱۴۰۰). در یک پژوهش انجام گرفته و همسو با موضوع حاضر یکی از مصاحبه‌کنندگان بیان می‌دارد: «وقتی فیلم خودمو فرستادم دو روز بعدش فهمیدم طرف خودشو فیک معرفی کرده فکر نمی‌کردم یک نفر بتونه انقدر عوضی باشه آخه من فکر می‌کردم اون توی شهر دیگه زندگی می‌کنه و هیچ آزاری نمی‌تونه به من برسونه». (عظیمی و دیگران، ۱۴۰۲). در پژوهشی دیگر در این زمینه مصاحبه‌کنندگان بیان داشتند: «همه توی شبکه‌های اجتماعی عکس می‌گذارند منم دلم می‌خواست عکس‌هایم را به اشتراک بگذارم اصلاً خاصیت اینستاگرام این است که عکس و محتوا به اشتراک بگذاریم». مصاحبه‌شونده دیگری نیز بیان می‌دارد: «همیشه با خودم فکر می‌کردم عکس‌های من ممکن است به درد چه کسی بخورد فکر نمی‌کردم کسی به وسیله آنها بتواند مرا مورد آزار و اذیت قرار دهد». مصاحبه‌کننده دیگری نیز بیان می‌دارد: «خب در حقیقت خیال نمی‌کردم با اشتراک گذاری این عکس‌ها و محتواها در حقیقت به ضرر خودم عمل می‌کنم» (افضلی گروه، ۱۳۹۹).

یکی دیگر از متغیرهای تبیین‌کننده کلیدی در مطالعه پدیده بزه‌دیدگی در فضای سایبری، الگوهای فعالیت روزمره افراد محسوب می‌شود که در چارچوب «نظریه فعالیت‌های روزمره»<sup>۱</sup> مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این نظریه جرم‌شناسی با اتکا بر الگوواره تحلیل محیطی، استدلال می‌نماید که کنش‌های مجرمانه در بستر تعاملات ساختاریافته و الگوهای رفتاری نهادینه شده در زندگی روزمره بزه‌دیدگان شکل می‌پذیرد. یکی از متغیرهای محوری در چارچوب نظریه فعالیت‌های روزمره، مدت زمان بهره‌برداری از فضای سایبری است که بر اساس شواهد پژوهشی، همبستگی مثبت و معناداری با افزایش سطح بزه‌دیدگی افراد نشان می‌دهد. مطالعات مؤید آن است که کاربران با میزان استفاده هفتگی بیش از ۱۰ ساعت از محیط‌های سایبری، به‌طور معناداری در مقایسه با کاربران کم‌مصرف، با خطر فزاینده بزه‌دیدگی مواجه‌اند (زررخ، ۱۳۸۹).

تحقیقات بین‌المللی رابطه مستقیمی بین مدت استفاده از فضای مجازی و بزه‌دیدگی کودکان نشان می‌دهد. مطالعات اتحادیه اروپا<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) و پیو (۲۰۲۱) بیانگر آن است که بزه‌دیدگان سوءاستفاده آنلاین به‌طور میانگین ۳-۴ ساعت روزانه در شبکه‌های اجتماعی فعالیت داشته‌اند. در کشورهای در حال توسعه، یونیسف گزارش می‌دهد کودکانی که روزانه بیش از ۵ ساعت آنلاین هستند، سه برابر بیشتر در معرض شکارچیان جنسی سایبری قرار دارند.<sup>۳</sup> این یافته‌ها مؤید آن است که افزایش زمان حضور دیجیتال، آسیب‌پذیری در برابر تهدیداتی مانند سوءاستفاده جنسی، قلدری و محتوای نامناسب را به‌طور معناداری افزایش می‌دهد (Livingstone et al, 2011:9). در این راستا پژوهشگران با شواهد کمی مستندسازی شده بیان داشته‌اند: کاربران زیر ۱۸ سال که بیش از ۳ ساعت روزانه در شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند، با افزایش ۲/۷ برابری احتمال بزه‌دیدگی در برابر آزارهای آنلاین مواجه‌اند (Hinduja & Patchin, 2019:340) متغیر تعیین‌کننده دیگر در آسیب‌پذیری سایبری، نوع و کیفیت بهره‌برداری از فضای دیجیتال است که به‌عنوان عاملی ساختاری در تشدید دامنه و شدت بزه‌دیدگی عمل می‌نماید. به‌ویژه، انجام فعالیت‌های پرخطر سایبری (همچون تعامل در محیط‌های کنترل‌نشده) و فعالیت در کانون‌های جرم‌خیز دیجیتال، احتمال بزه‌دیدگی را به‌صورت تصاعدی افزایش می‌دهد. چنانچه

<sup>1</sup> Routine Activity Theory

<sup>2</sup> [www.lse.ac.uk](http://www.lse.ac.uk)

<sup>3</sup> [www.unicef.org](http://www.unicef.org)

پیش‌تر مستند شد، حضور در فضاهای تعاملی فاقد نظارت (نظیر چت‌روم‌های ناشناس) و مواجهه نظام‌مند با محتوای نامناسب، از جمله مکانیسم‌های تسهیل‌کننده بزه‌دیدگی محسوب می‌گردد. تحلیل نهایی نشان می‌دهد که بزه‌دیدگی سایبری محصول تعامل سه عامل کلیدی در سبک زندگی دیجیتال است: مدت زمان استفاده (حضور بیش از ۳-۴ ساعت روزانه)، کیفیت تعاملات (عضویت در گروه‌های پرخطر و تعامل با غریبه‌ها) و الگوهای رفتاری (اشتراک‌گذاری محتوای شخصی و تعدی از پروتکل‌های امنیتی). این سه‌گانه در چارچوب نظریه فعالیت‌های روزمره تبیین می‌شود که بر هم‌پوشانی زمان، مکان و رفتارهای پرخطر در ایجاد فرصت‌های جرم تأکید دارد.

یافته‌ها حاکی از آن است که سبک زندگی برخط نه تنها بازتاب انتخاب‌های فردی، بلکه محصول شرایط ساختاری است که کاربران در آن عمل می‌کنند. افزایش ۲.۷ برابری خطر بزه‌دیدگی در کاربران پرمراجعه، و همبستگی ۹۰ درصدی بین عضویت در گروه‌های غیراخلاقی و بزه‌دیدگی جنسی، مؤید این مدعاست که راهبردهای پیشگیری باید بر تغییر محیط‌های دیجیتال و نه صرفاً تغییر رفتار فردی متمرکز شوند.

در یک پژوهش‌های میدانی صورت گرفته، همسو با موضوع حاضر یکی از مصاحبه‌شوندگان که در فضای سایبری مورد اغفال و آزار و اذیت آنلاین قرار گرفته بود بیان می‌دارد: «روزی ۱۰ ساعت در فضای مجازی هستم»؛ مصاحبه‌شوندگان دیگر نیز هر کدام بیان می‌کنند: «روزی ۱۴ الی ۱۵ ساعت را در فضای مجازی می‌گذرانم» (افضلی گروه: ۱۳۹۹) بدین ترتیب می‌توان استدلال نمود که کودکان و نوجوانانی که با فقدان نظارت ساختاریافته والدین، زمان‌های متمادی (عمدتاً فراتر از ۳ ساعت روزانه) را در فضاهای سایبری به‌ویژه پلتفرم‌های تعامل محور سپری می‌نمایند، به‌طور سیستماتیک در معرض آسیب‌پذیری مضاعف نسبت به همسالان با استفاده محدود قرار دارند. این امر عمدتاً ناشی از تلفیق دو عامل خطرناک است: نخست، تشدید مواجهه با تهدیدات محیطی ناشی از گسترش دامنه تعاملات کنترل‌نشده، و دوم، تضعیف مکانیسم‌های محافظتی درون‌زا (همچون هوشیاری امنیتی و مهارت‌های اجتناب از مخاطرات) که در غیاب چارچوب‌های نظارتی خارجی رخ می‌نماید.

## ۲. علل محیطی-اجتماعی بزه‌دیدگی

این مبحث به بررسی نقش عوامل بیرونی در افزایش آسیب‌پذیری افراد می‌پردازد. قسمت اول بر نقش نهاد خانواده دارد. کارکرد نامناسب این نهاد در فرآیند جامعه‌پذیری می‌تواند به کاهش خودکنترلی و افزایش آسیب‌پذیری فرد منجر شود. قسمت دوم نیز به تأثیر متغیرهای ساختاری مانند فقر و نابرابری می‌پردازد. این عوامل با تضعیف نظارت اجتماعی غیررسمی و محدود کردن دسترسی به منابع حمایتی، بستر مناسب برای آسیب‌پذیری را فراهم می‌سازند.

### ۲-۱. نوع جامعه‌پذیری کودک توسط خانواده

تحقیقات بسیاری نشان می‌دهند که رشد اجتماعی و عاطفی مناسب تأثیر بسزایی در کاهش قرارگیری افراد در موقعیت‌های بزهکاری و بزه‌دیدگی دارد. کودکانی که در محیط خانواده مهارت‌های اجتماعی لازم را فرا می‌گیرند، کمتر در معرض خطرات مربوط به جرم قرار می‌گیرند (Axpe, 2019: 2204). در مقابل، عدم جامعه‌پذیری مناسب می‌تواند به ضعف در شناخت هنجارهای اجتماعی، ناتوانی در تشخیص رفتارهای پرخطر، درک ناکافی از حقوق شخصی و ناآگاهی از مرزهای اخلاقی و قانونی بینجامد (صفاری و ایمانی، ۱۳۹۹). این کاستی‌ها فرد را به طعمه‌ای آسان برای سوءاستفاده و بزه‌دیدگی تبدیل می‌کند.

جامعه‌پذیری ناقص منجر به عدم کسب مهارت‌های اساسی مانند توانایی نه گفتن در موقعیت‌های خطرناک، درخواست کمک مؤثر و ایجاد روابط سالم می‌شود. این کاستی‌ها، کودکان را به طعمه‌های آسانی برای بزهکاران و سوءاستفاده‌گران تبدیل می‌کند. همچنین، عدم یادگیری قواعد اجتماعی اغلب به طرد شدن از سوی همسالان و جامعه می‌انجامد (ملکوتی و محسنی، ۱۴۰۲) که این انزوا به نوبه خود فرد را به سمت گروه‌های بزهکار به عنوان جایگزینی برای پذیرش اجتماعی سوق می‌دهد. از سوی دیگر، بزهکاران عموماً اهداف آسیب‌پذیر را انتخاب می‌کنند. کودکانی که به دلیل جامعه‌پذیری ناقص از اعتماد به نفس پایین، مهارت‌های حل مسئله ضعیف و فقدان حمایت اجتماعی رنج می‌برند، به طور ویژه‌ای در معرض خطر بزه‌دیدگی در انواع آزارها و بهره‌کشی‌های جسمی و جنسی قرار دارند. این عوامل در کنار هم، چرخه معیوبی ایجاد می‌کنند که خطر بزه‌دیدگی را به طور فزاینده‌ای افزایش می‌دهد.

تربیت جنسی فرآیندی تعلیمی، مستمر و پویا محسوب می‌گردد که از رهگذر انتقال دانش و بینش ضروری در این عرصه، به رشد باورها و ارزش‌های وجودی افراد مدد می‌رساند. این آموزش‌ها نه تنها معلومات بنیادین پیرامون مسائل جنسیتی را فراهم می‌آورند، بلکه مهارت‌های کاربردی کاربست این آموزه‌ها در ساحات زیست واقعی را نیز تقویت می‌نمایند (حجازی و دیگران، ۱۴۰۰).

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)<sup>۱</sup> در این خصوص تصریح می‌گرداند: تربیت جنسی به مثابه فرآیند تعلیمی، در راستای پرورش نگرش‌ها و مهارت‌های صحیح جنسی سامان می‌یابد. این آموزش‌ها بر تقویت اتکاء به نفس، توان ترسیم حدود فردی، حرمت‌نهادن به حریم خویش و غیره، کاهش مخاطرات سوءاستفاده و خشونت‌های جنسی، و نیز هدایت افراد به سوی مناسبات سالم و اخذ تصمیمات آگاهانه در این عرصه استوار است.<sup>۲</sup> تربیت جنسی در ایران به دلیل بافت سنتی جامعه، همواره با چالش‌های مفهومی، نظری و اجرایی مواجه بوده است. این مشکلات نه تنها اجرای برنامه‌های آموزشی مؤثر را با مانع روبرو کرده، بلکه به شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی و ناهنجاری‌های رفتاری در میان جوانان منجر شده است (افشاری و دیگران، ۱۴۰۱).

یکی از موانع اساسی، مقاومت نهاد خانواده و باورهای سنتی حاکم بر آن است که آموزش مسائل جنسی را امری ناهنجار و متعارض با هنجارهای اجتماعی می‌دانند. این نگرش نه تنها انتقال صحیح مفاهیم تربیتی را دشوار می‌سازد، بلکه موجب شکل‌گیری باورهای نادرست و ایجاد مخاطرات متعدد برای نوجوانان می‌شود. علیرغم این چالش‌ها، اسناد بالادستی نظام آموزشی از جمله «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و برنامه درسی ملی بر اهمیت تربیت جنسی تأکید کرده‌اند. در این اسناد، بهداشت و سلامت دوران بلوغ جنسی و تکمیل هویت جنسی دانش‌آموزان به عنوان ارکان اساسی تربیت جامع‌نگر مورد توجه قرار گرفته‌اند. این تأکیدات نشان‌دهنده اهمیت موضوع و ضرورت غلبه بر موانع فرهنگی و اجتماعی موجود است. تربیت جنسی به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام آموزشی با چالش‌های ساختاری چندسطحی در ابعاد فردی، خانوادگی، آموزشی و اجتماعی روبرو است (قاسمی و دیگران، ۱۴۰۲). در سطح خرد، مقاومت روان‌شناختی والدین و ضعف مهارت‌های ارتباطی میان‌نسلی، فضای گفت‌وگوی سازنده در این حوزه را محدود کرده است. این مسئله با نگرش بزرگسال محور به مسائل جنسیتی تشدید شده و شکاف عمیقی بین نیازهای نوجوانان و درک سنتی والدین ایجاد نموده است. در سطح میانی، نظام آموزشی با کمبود نیروهای متخصص، ضعف منابع آموزشی استاندارد و فقدان سند راهبردی

<sup>1</sup> United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

<sup>2</sup> UNESCO. (2018). **International technical guidance on sexuality education an evidence informed approach**. Revised edition, Paris: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. <https://www.who.int>

مدون همسو با ارزش‌های اسلامی مواجه است. در سطح کلان، جامعه با تفسیرهای نادرست از مفهوم تربیت جنسی دست به گریبان است که ناشی از کمبود سواد رسانه‌ای و برداشت‌های غیرتخصصی از مبانی دینی است.

## ۲-۲. موقعیت و پایگاه اجتماعی

مراد از اصطلاح موقعیت اجتماعی در این بافت تحلیلی، نه آن مفهوم کلاسیک متداول در گفتمان‌های جامعه‌شناختی مرسوم (متعلق به سلسله مراتب مبتنی بر پایگاه اقتصادی یا منزلت سنتی)، بلکه ساختار چندبُعدی تمایزهای جمعیت‌شناختی و هویتی مرتبط با حاشیه‌نشینی نظام‌مند است. این انگاره، به‌طور مشخص، تجربه زیسته تعلق به گروه‌های اقلیتی مشخصی را دربرمی‌گیرد که در معرض سازوکارهای طرد ساختاری قرار دارند؛ از جمله: وضعیت مهاجرتی (به‌مثابه یک موقعیت جمعیت‌شناختی فرودست)، تعلق به اقلیت‌های قومی یا نژادی به‌حاشیه‌رانده‌شده و عضویت در طیف‌های جنسیتی و جنسی غیرهژمونیک (شامل آن دسته از افراد که تحت عنوان اقلیت‌های جنسیتی طبقه‌بندی می‌شوند). بر اساس یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی انتقادی، وابستگی به گروه‌های اقلیتی، وضعیت مهاجرتی و موقعیت بیگانگی از عوامل پیش‌بینی‌کننده افزایش آسیب‌پذیری در برابر بزه‌دیدگی هستند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهند سیاه‌پوستان دو برابر سفیدپوستان هدف آزارهای جنسی سایبری قرار می‌گیرند. کودکان مهاجر و غیربومی نیز نسبت به کودکان بومی با میزان بزه‌دیدگی مضاعف مواجه هستند. مطالعات گسترده در آمریکا حاکی از آن است که دانش‌آموزان آمریکایی-آفریقایی‌تبار، لاتین‌تبار و آسیایی‌تبار به‌طور معناداری بالاترین سطوح بزه‌دیدگی جنسی سایبری را تجربه می‌کنند (Sawyer et al, 2008: 114). گزارش‌های مرکز پژوهشی پیو در سال ۲۰۲۲ نیز بالاترین نرخ بزه‌دیدگی‌های جنسی سایبری را به ترتیب متعلق به سیاه‌پوستان، اسپانیایی‌زبانان و آسیایی‌تباران می‌داند.

از دیگر مصادیق شایان تأمل در این سیاق، اقلیت‌های جنسی موسوم به «دگرباشان جنسی»<sup>۱</sup> می‌باشد. بر پایه‌ی واکاوی نظام‌مند مستندات پژوهشی، این استنتاج مسلم حاصل می‌گردد که کودکان و نوجوانان متعلق به اقلیت‌های جنسی در مقایسه با افراد دگرجنس‌گرا با میزان به‌مراتب بالاتری از آزارهای جنسی سایبری مواجه می‌شوند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افراد غیردگرجنس‌گرا با نرخ ۴۱ درصدی بیشتری مورد آزارهای جنسی مجازی قرار می‌گیرند (Cooper, & Blumenfeld, 2012: 160). همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که زنان اقلیت‌های جنسی در سنین متأخر بیش از مردان هم‌گروه خود هدف آزارها و سواستفاده جنسی سایبری واقع می‌شوند. در مقابل، پسران هم‌جنس‌گرا و اقلیت‌های جنسی به‌طور قابل توجهی بیش از دختران این طیف، آماج آزارهای جنسی برخط قرار می‌گیرند (Schneider, 2015: 620). مطالعات نشان می‌دهند نزدیک به نیمی از کودکان و نوجوانان این جامعه به‌طور پیوسته در معرض تهدیدات جنسی آنلاین هستند که اغلب شامل دریافت محتوای جنسی ناخواسته می‌شود. یافته‌های پاول و همکاران نیز مؤید آن است که میزان بزه‌دیدگی جنسی در بین دگرباشان جنسی سه برابر بیشتر از سایر گروه‌ها است (Powell et al, 2019: 400). این آمارها آسیب‌پذیری فوق‌العاده بالای این گروه را در فضای سایبری نشان می‌دهد. بنظر از آنجا که کودکان و نوجوانان دگرباش جنسی بیش از همتایان خویش، احساسات نهفته هراس، تشویش و بی‌پناهی را تجربه می‌نمایند، در نتیجه مستعد بزه‌دیدگی در برابر جرائم جنسی بخصوص در فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی می‌گردند.

تحلیل نهایی نشان می‌دهد موقعیت اجتماعی حاشیه‌نشین - اعم از تعلق به گروه‌های قومی و نژادی اقلیت، مهاجران یا اقلیت‌های جنسی - به عنوان عاملی ساختاری در تشدید بزه‌دیدگی جنسی سایبری عمل می‌کند. این الگو که با تئوری

<sup>۱</sup> LGBTQ

طرد نظام‌مند قابل تبیین است، نشان می‌دهد سازوکارهای تبعیض ساختاری، گروه‌های مذکور را در معرض آسیب‌پذیری مضاعف قرار می‌دهد. داده‌ها به وضوح حاکی از آن است که سیاه‌پوستان تا دو برابر بیشتر هدف آزارهای جنسی سایبری قرار می‌گیرند، اقلیت‌های جنسی با سه برابر شدن نرخ بزه‌دیدگی جنسی مواجه‌اند و کودکان مهاجر با میزان مضاعف بزه‌دیدگی نسبت به هم‌تایان بومی روبه‌رو هستند. این چشمانداز نشان می‌دهد بزه‌دیدگی سایبری صرفاً یک پدیده فردی نیست، بلکه بازتولید نابرابری‌های ساختاری در فضای مجازی است. از این رو، راهبردهای مقابله باید بر مداخلات نظام‌مند متمرکز شوند، از طراحی سیاست‌های ضدتبعیض در پلتفرم‌ها تا تقویت مکانیزم‌های حمایتی برای گروه‌های حاشیه‌ای.

## ۲-۳. سطح و وضعیت اقتصادی

مطالعات چندوجهی همواره مؤید رابطه‌ی ساختاری میان سکونت در زیست‌بوم‌های فرودست اقتصادی و شیوع تصاعدی پدیده‌ی بزهکاری/بزه‌دیدگی بوده‌اند. فقر ساختاریافته و ضرورت‌های معیشتی به عنوان عوامل تسهیل‌کننده کلیدی در شکل‌گیری پدیده ارتباطات معاملاتی دیجیتال عمل می‌کنند. این رابطه علی در چارچوب نظریه سرمایه‌گذاری بدن قابل تحلیل است که در آن بدن به عنوان ابزار مبادله اقتصادی در شبکه‌های دیجیتال بازتعریف می‌شود.

شواهد تجربی به وضوح نشان می‌دهند که پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین، همراه با کاستی در شبکه‌های حمایت اجتماعی و ناتوانی در ایجاد پیوندهای اجتماعی پایدار، به عنوان پیش‌بین‌کننده‌های قوی بزه‌دیدگی جنسی کودکان عمل می‌کنند (Elgar et al, 2015: 2095). پژوهش سدلاک و همکاران نشان می‌دهد که پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین به عنوان متغیر پیش‌بین قوی در بزه‌دیدگی جنسی سایبری کودکان عمل می‌کند. بر اساس تحلیل‌های کمی، کودکان خانواده‌های محروم با احتمال سه برابری در مقایسه با گروه‌های برخوردار، در معرض تعرضات جنسی در فضای مجازی قرار دارند (Sedlak et al, 2010: 211). لی و همکاران در پژوهش طولی خود نشان داده‌اند که تجربه محرومیت اقتصادی در دوران تکوین شناختی (۵-۱۲ سالگی)، زمینه‌ساز آسیب‌پذیری نظام‌مند در برابر اشکال بزه‌دیدگی بخصوص بزه‌دیدگی جنسی می‌شود. این گروه نه تنها نرخ وقوع بزه‌دیدگی بالاتری را تجربه می‌کنند، بلکه پیامدهای روان‌شناختی پایدارتری از جمله اختلال استرس پس از سانحه و افت عملکرد تحصیلی نشان می‌دهند (Lee et al, 2017: 386). مطالعه پترسون و همکاران با روش‌شناسی ترکیبی نشان می‌دهد که تاب‌آوری در برابر آزارهای سایبری با موقعیت اجتماعی-اقتصادی همبستگی معناداری دارد. کودکان طبقات فرادست جامعه به دلیل دسترسی به محیط‌های دیجیتال ایمن‌سازی شده، شبکه‌های حمایتی قوی و آگاهی‌بخشی مستمر، با کاهش محسوس احتمال بزه‌دیدگی سایبری مواجهند (Pedersen et al, 2023: 410). همسو با این یافته‌ها، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین، خطر فزاینده‌ای در مواجهه با سوءاستفاده‌های جنسی ایجاد می‌کند (Runarsdottir et al, 2019: 1788). اوشیما و همکاران نیز مکانیسم علی این پدیده را کمبود سرمایه عاطفی-روانی در خانواده‌های محروم اقتصادی تشخیص داده‌اند (Oshima et al, 2014: 386). گواهی تجربی موسسه پیو نیز نشان می‌دهد که شکاف درآمدی (۳۰,۰۰۰ دلار در مقابل ۷۵,۰۰۰ دلار درآمد سالانه) به عنوان شاخص پیش‌بینی‌کننده، شیوع معنادار بزه‌دیدگی سایبری در کودکان کم‌بضاعت را نشان می‌دهد. این مطالعات به وضوح نشان می‌دهند که فقر ساختاری یکی از مکانیزم‌های کلیدی در آسیب‌پذیری سایبری کودکان است.

محرومیت اقتصادی با ایجاد گفتمان «اجبار به کنش‌وری جنسی سوداگونه»، افراد فاقد سرمایه مادی را به سمت پلتفرم‌های غیررسمی سوق می‌دهد. در این فضاها، بدن به واحد مبادله کالایی شده تبدیل می‌گردد. این فرآیند نه تنها چرخه بزه‌دیدگی جنسی سایبری را تسریع می‌کند، بلکه الگوهای جدیدی از بزه‌دیدگی نظام‌مند را در فضای دیجیتال نهادینه می‌سازد.

مطالعات متعدد همبستگی معناداری بین فقر ساختاری و پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین با افزایش آسیب‌پذیری کودکان در برابر بزه‌دیدگی جنسی تأیید کرده‌اند، در این الگو آسیب‌پذیری‌های اقتصادی به عنوان پیش‌شرطی برای بهره‌کشی سایبری عمل می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی پدیده بزه‌دیدگی جنسی سایبری به مثابه یکی از شاخص‌ترین صور بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در سپهر مجازی به انجام رسید. یافته‌های این تحقیق به طرز گویا و قاطع دلالت بر این امر دارد که بزه‌دیدگی در این عرصه، حاصل برهم‌کنش پیچیده‌ای از عوامل درون‌فردی، روانی-رشدی و اجتماعی-ساختاری است و تقلیل آن به علتی یگانه، موجبی برای خطا در تحلیل و تدبیر خواهد بود. تحلیل داده‌ها مبین آن است که متغیرهای درونی نظیر سن پایین، جنسیت آسیب‌پذیر و سبک زندگی پرخطر آنلاین - که مشخصه آن اتکای مفرط بر فضای مجازی برای سامان‌بخشی به کنش‌های اجتماعی و سیری کردن اوقاتی مدید خارج از حیطه نظارت سرپرستان است - بستر مساعدی برای وقوع بزه‌دیدگی فراهم می‌آورد. این مطالعه هم‌چنین هم‌بستگی معناداری را میان خصایص روان‌شناختی دوره نوجوانی از جمله کنجکاوی محض و هیجان‌طلبی کورکورانه با افزایش میزان آسیب‌پذیری سایبری به تصویر می‌کشد.

یافته‌ها به نحوی صریح گواهی می‌دهند که تبیین این پدیده منحصرأز رهگذر عوامل فردی، نارسا و ناکافی است. عوامل رشدی، به‌طور اخص کیفیت مناسبات درون‌خانوادگی و نحوه جامعه‌پذیری کودک، نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌نمایند؛ چنان‌که به تناسب کاهش سطح صمیمیت و ارتباطات مؤثر میان اعضای نهاد خانواده، آسیب‌پذیری کودک در فضای سایبری تصاعدی افزایش می‌یابد. افزون بر این، عوامل جامعه‌مدار همچون پایگاه اقتصادی-اجتماعی حاشیه‌ای، وضعیت مهاجرت و تعلقات قومی-نژادی، سهمی غیرقابل اغماض در تکمیل زنجیره علیت بزه‌دیدگی دارند.

در خاتمه و با عنایت به یافته‌های این پژوهش، مقابله با پدیده بزه‌دیدگی جنسی سایبری کودکان مستلزم عبور از توصیف و تحلیل صرف، به سمت تدوین یک نقشه راه عملیاتی، چندبعدی و هماهنگ است. این امر تنها از طریق اتخاذ یک سیاست جنایی یکپارچه که در آن بازدارندگی کیفری، پیشگیری رشدمحور، حمایت همه‌جانبه از بزه‌دیده و مسئولیت‌آفرینی برای فعالان فضای مجازی در کنار یکدیگر قرار گیرند، ممکن خواهد بود. در گام نخست، تقویت زیرساخت حقوقی و قضایی از طریق تکمیل چارچوب تقنینی ضروری است. تدوین و تصویب «قانون جامع حمایت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی» که در آن بزه‌دیدگی جنسی سایبری با تعریفی روشن جرم‌انگاری شده باشد، امکان مداخله زودهنگام مراجع قضایی و انتظامی را فراهم می‌آورد. این قانون باید مسئولیت‌های شفاف و سنگینی را برای پلتفرم‌های داخلی و بین‌المللی مقیم ایران در زمینه پیشگیری، کشف و گزارش این جرایم، از جمله الزام به استفاده از فناوری‌های شناسایی و حذف محتوای مرتبط با سوءاستفاده جنسی از کودکان، تعیین کند و ضمانت‌اجرای مؤثری مانند جریمه‌های سنگین یا محدودیت فعالیت برای آنها پیش‌بینی نماید. همزمان، نظام دادرسی نیازمند تخصصی‌سازی است؛ تشکیل شعب ویژه در دادسراها و دادگاه‌ها با قضات آموزش‌دیده در امور سایبری و روانشناسی کودک، و ایجاد واحدهای ویژه در پلیس فتا متشکل از کارآگاهان فنی، روانشناس و مددکار اجتماعی، می‌تواند فرآیند پیگیری این پرونده‌های پیچیده را تسهیل و از بزه‌دیده محافظت کند. با این حال، تقویت نظام کیفری به تنهایی کافی نیست و می‌بایست به موازات آن، یک برنامه ملی توانمندسازی و آگاه‌سازی را با جدیت دنبال کرد. نهادینه‌سازی آموزش «سواد دیجیتال امن» و «تربیت جنسی سالم‌محور و متناسب با سن» در برنامه درسی مدارس از دوره ابتدایی، کودکان و نوجوانان را با مهارت‌های تشخیص خطر، حفظ حریم

خصوصی و نه گفتن مجهز می‌سازد. اجرای کارگاه‌های اجباری «فرزندپروری در عصر دیجیتال» برای والدین و کمپین‌های رسانه‌ای خلاق، آگاهی عمومی را ارتقا می‌دهد. این آموزش‌ها باید برای گروه‌های آسیب‌پذیرتر مانند دختران نوجوان، کودکان خانواده‌های آشفته یا کم‌بضاعت، و اقلیت‌های قومی و جنسی، به صورت هدفمند و با حساسیت بیشتری ارائه گردد. در سطح حمایتی، ایجاد شبکه‌های در دسترس و محرمانه مانند توسعه خطوط تلفنی و پلتفرم‌های گزارش‌دهی آنلاین ۲۴ ساعته، و تأسیس «مراکز جامع حمایت از کودکان بزه‌دیده سایبری» که خدمات روان‌درمانی، حقوقی و مددکاری را یکجا ارائه می‌دهند، ضروری است. از سوی دیگر، مداخله در محیط فناورانه از طریق تشویق به تولید «سیم‌کارت و اینترنت کودک» با قابلیت‌های نظارتی هوشمند و ایجاد سامانه رتبه‌بندی اپلیکیشن‌ها بر مبنای ایمنی کودک، به خانواده‌ها در ایجاد یک محیط دیجیتال امن‌تر کمک می‌کند. تحقق این راهبرد گسترده نیازمند هماهنگی حداکثری بین تمام نهادهای ذی‌ربط تحت رهبری یک «ستاد ملی» با اختیارات کافی است. قوه قضائیه، وزارتخانه‌های ارتباطات، آموزش و پرورش، بهداشت، کشور، سازمان بهزیستی، پلیس فتا، صداوسیما و نهادهای مدنی باید در یک همکاری سیستماتیک، مسئولیت‌های خود را در این چارچوب یکپارچه به پیش ببرند. پشتیبانی این اقدامات نیز مستلزم انجام پژوهش‌های مستمر برای رصد الگوهای جدید بزهکاری و ارزیابی اثرگذاری برنامه‌ها است. در نهایت، این چشم‌انداز چندلایه که در آن سخت‌افزار حقوقی و قضایی قدرتمند، با نرم‌افزار آموزش و فرهنگ‌سازی توانمندساز و شبکه‌های حمایتی پاسخگو پیوند خورده است، می‌تواند به تدریج اکوسیستم دیجیتال ایران را به فضایی امن‌تر برای رشد و شکوفایی کودکان تبدیل کند و از آنان در برابر تهدیدات پیچیده عصر مجازی حفاظت نماید.

## منابع فارسی

۱. ابوذری، مهنوش. (۱۳۹۵). *جرم‌شناسی سایبری*. تهران: انتشارات میزان.
۲. افشاری، محمد و دیگران. (۱۴۰۱). تعیین شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب تربیت جنسی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول متناظر با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۳۰(۵۴)، صص. ۱۱-۳۳.
۳. افضل‌گروه، معصومه. (۱۳۹۹). تحلیل بزه‌دیده‌شناسی آزار جنسی دختران در فضای سایبر. رساله دکتری علوم اجتماعی - مطالعات زنان - حقوق زن در اسلام. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
۴. جلالی فراهانی، امیرحسین. (۱۳۹۳). نظریه سبک زندگی، منتشر شده در *دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم* زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.
۵. حاجی ده‌آبادی، احمد و سلیمی، احسان. (۱۳۹۳). اصول جرم‌انگاری در فضای سایبر (با رویکردی انتقادی به قانون جرایم رایانه‌ای). *فصلنامه مجلس و راهبرد*، ش ۸۰، صص. ۷۸-۷۷.
۶. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و سلیمی، احسان. (۱۳۹۸). بزهکاری و بزه‌دیدگی بومی‌های اینترنت از علت‌شناسی تا پاسخ‌دهی در پارادایم ترمیمی، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۴۹(۱)، صص. ۴۱-۶۳.
۷. حجازی، زهرا و قادری، مصطفی و صادقی، علیرضا و صمدی، پروین و نیکنام، زهرا. (۱۴۰۰). سنتز پژوهی مولفه‌ها و کنشگران برنامه درسی تربیت جنسی خانه-مدرسه، *پژوهش‌های تربیتی*، ۴۲، صص. ۷۸-۱۱۴.
۸. خلیل پور چالکسیاری، سیدعباس. (۱۳۹۹). سیاست‌تقنینی کیفری ایران در قبال تأمین امنیت کودکان در فضای مجازی. *حقوق کودک*، ۲(۵)، صص. ۱۶۱-۱۸۷.

۹. زررخ، احسان. (۱۳۸۹). جرم شناسی فضای مجازی. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، اصفهان: موسسه آموزش عالی شهید اشرفی اصفهانی.
۱۰. صفاری علی و ایمانی مهرنوش. (۱۳۹۹). تاثیر بزه دیدگی اطفال و نوجوانان بر بزهکاری و پیشگیری از آن. *رهیافت پیشگیری*، ۳(۲)، صص. ۱۵۱-۱۷۸.
۱۱. عظیمی، علی و دیگران. (۱۴۰۲). واکاوی عوامل بسترساز آزار جنسی آنلاین در دختران نوجوان. *دو فصلنامه مشاوره کاربردی*، ۲(۱۳)، صص. ۱۰۱-۱۱۴.
۱۲. علی زاده شورجیان، سارا. (۱۴۰۰). رویکرد بزه دیده شناسی حمایتی به دختران بزه دیده آزار جنسی در شبکه های اجتماعی مجازی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان
۱۳. عمرانی سامیان، رباب. (۱۳۹۹). بررسی نقش هیجان خواهی و ابعاد سرشت و منش بر اعتیاد به اینترنت در بین دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۴. عمرانی، گلستا. (۱۳۹۴). بررسی جرم شناختی بزه دیدگی جنسی در شبکه های اجتماعی فیسبوک و توئیتر. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۵. فرانکن، رابرت. (۱۴۰۳). *انگیزش و هیجان*، ترجمه غلامرضا محمودی و دیگران، چاپ دوازدهم، تهران: نشر نی.
۱۶. فرهادی آلاستی، زهرا. (۱۳۹۵). *پیشگیری وضعی از جرایم سایبری راهکارها و چالش ها*، تهران: انتشارات میزان.
۱۷. کرامتی معز، هادی. (۱۳۹۹). *بزه دیده شناسی کودکان در شبکه های مجازی*. تهران: انتشارات دادگستر.
۱۸. مارشال ریو، جان. (۱۴۰۳). *انگیزش و هیجان*، ترجمه یحیی سید محمدی، چاپ چهلیم، تهران: انتشارات روان.
۱۹. محسنی فرید. (۱۳۹۰). سهم کودکان و نوجوانان از حمایت کیفری در فضای مجازی و حقیقی، *آموزه های حقوق کیفری*، ۸(۱)، ۱۳۷-۱۷۰.
۲۰. محمد کوره پز، حسین. (۱۳۹۳). نیمرخ جنایی بزهکاران سایبری. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، قم: پردیس فارابی دانشگاه تهران.
۲۱. ملکوتی نصیر و فرید محسنی. (۱۴۰۲). پیشگیری جامعه مدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان در محیط های آموزشی مجازی (با تاکید بر یافته های جرم شناسی). *دیدگاه های حقوق قضایی*، ۱۰۲(۲۸)، صص. ۲۰۷-۲۳۴.
۲۲. منشوری، زهرا. (۱۳۹۸). بررسی علل بزه دیدگی کودکان و راهکارهای پیشگیری از آن (مطالعه موردی: شهرستان تالش: ۱۳۹۸). پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۳. نجفی ابراندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۵). *دیپاچه در جرم شناسی ژرژ پیکا، ویراست دوم*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات میزان.
۲۴. نجفی ابراندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۱). *تقریرات درس جرم شناسی (بزه دیده شناسی)*، به کوشش شهرام ابراهیمی (مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی)
۲۵. یوسفی، سید ابوالقاسم. (۱۳۹۶). بررسی بزه دیده شناسی جرایم سایبری. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه جامعه المصطفی، مشهد: مجتمع آموزش عالی مشهد.

منابع لاتین

1. Axpe, I., Rodríguez-Fernández, A., Goñi, E., & Antonio-Agirre, I. (2019) **Parental socialization styles: The contribution of paternal and maternal affect/communication**

- and strictness to family socialization style.** *International journal of environmental, research and public health*, 16(12), 2204
2. Cooper, R. M., & Blumenfeld, W. J (2012). **Responses to cyberbullying: A descriptive analysis of the frequency of and impact on LGBT and allied youth.** *Journal of LGBT Youth*, 9, p:160.
  3. Elgar, F. J., Pförtner, T. K., Moor, I., De Clercq, B., Stevens, G W., & Currie, C (2015). **Socioeconomic inequalities in adolescent health 2002–2010: a time-series analysis of 34 countries participating in the Health Behavior in School-aged Children study.** *The Lancet*, 385(9982), pp:2088-2095
  4. Gault-Sherman, M., Silver, E., & Sigfúsdóttir, I. D (2009). **Gender and the associated impairments of childhood sexual abuse: A national study of Icelandic youth.** *Social science medicine*, 69(10), pp:1515-1522.
  5. Hinduja, S., & Patchin, J. W. (2019). **Connecting adolescent suicide to the severity of bullying and cyberbullying.** *Journal of school violence*, 18(3), pp:333-346.
  6. Karsna, K., & Bromley, P. (2023). **Child sexual abuse in 2021/22: Trends in official data.** *Centre of expertise on child sexual abuse*. Retrieved Feb, 6, 2024.
  7. Kimonis, E. R., Frick, P. J., & Barry, C. T. (2004). **Callous-unemotional traits and delinquent peer affiliation.** *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 72(6), pp:950-956.
  8. Lee, C., Coe, C. L., & Ryff, C. D (2017) **Social disadvantage, severe child abuse, and biological profiles in adulthood.** *Journal of health and social behavior*, 58(3), pp: 371-386.
  9. Lee, Y., Harris, M. N., & Kim, J (2022). **Gender differences in cyberbullying victimization from a developmental**
  10. Livingstone, S., Haddon, L., Görzig, A., & Ólafsson, K (2011). **risks and safety on the internet: the perspective of European children:** full findings and policy implications from the EU Kids Online survey of 9-16-year olds and their parents in 25 countries.
  11. Matta Oshima, K. M., Jonson-Reid, M., & Seay, K. D (2014) **the influence of childhood sexual abuse on adolescent outcomes: The roles of gender, poverty, and re victimization.** *Journal of Child Sexual Abuse*, 23(4), pp:367-386.
  12. Navarro, R (2016). **Gender issues and cyberbullying in children and adolescents: From gender differences to gender identity measures** *Cyberbullying across the globe: Gender, family and mental health*, pp: 35-61.
  13. Pedersen, W., Bakken, A., Stefansen, K., & von Soest, T (2023) **sexual victimization in the digital age: A population-based study of physical and image-based sexual abuse among adolescents.** *Archives of sexual behavior*, 52(1), pp:399-410.
  14. Pharo, H., Sim, C., Graham, M., Gross, J., & Hayne, H (2011). **Risky business: executive function, personality, and reckless behavior during adolescence and emerging adulthood.** *Behavioral neuroscience*, 125(6).

15. Powell, A., Henry, N., Flynn, A., & Scott, A. J (2019). **Image-based sexual abuse: The extent, nature, and predictors of perpetration in a community sample of Australian residents.** *Computers in Human Behavior*, 92, pp: 393-402.
16. Runarsdottir, E., Smith, E., & Arnarsson, A. (2019) **.the effects of gender and family wealth on sexual abuse of adolescents.** *International journal of environmental research and public health*, 16(10).
17. Sawyer, A. L., Bradshaw, C. P., & O'Brennan, L. M (2008). **Examining ethnic, gender, and developmental differences in the way children report being a victim of “bullying” on self-report measures.** *Journal of Adolescent Health*, 43(2), pp:106-114.
18. Schneider, S. K., O'Donnell, L., & Smith, E. (2015). **Trends in cyberbullying and school bullying victimization in a regional census of high school students, 2006–2012.** *Journal of School Health*, 85, pp:611–620.
19. Seals Jr, R. A., & Stern, L. V. (2013). **Cognitive ability and the division of labor in urban ghettos: Evidence from gang activity in US data.** *The Journal of Socio-Economics*, 44, pp: 140-149.
20. Sedlak, A. J., Mettenburg, J., Basena, M., Peta, I., McPherson., Greene, A., & Li, S. (2010). **Fourth national incidence study of child abuse and neglect (NIS-4).** *Washington, DC: US Department of Health and Human Services*, 9.
21. Stoltenborgh, M., Van Ijzendoorn, M. H., Euser, E. M., & Bakermans-Kranenburg, M. J.(2011). **A global perspective on child sexual abuse: Meta-analysis of prevalence around the world.** *Child maltreatment*, 16(2), pp:79-101.
22. Ventéjoux, A. (2019). *Une lecture de la cyberviolence: la rencontre du sujet et du cyberspace dans les infractions à caractère sexuel envers mineurs réalisées sur Internet: A take on cyberviolence: the encounter of the subject and cyberspace in online sex offences against minors. Doctoral dissertation. Docteur es, Psychologie,*

منابع اینترنتی

<https://explodingtopics.com/blog/cyberbullying-stats>

<https://cyberbullying.org/category/statistics>

<https://fararu.com>

<https://www.pewresearch.org>

<https://www.lse.ac.uk>

<https://www.unicef.org>

<https://www.who.int>